

مطالعه ابعاد احساس امنیت و عوامل جمعیتی - زمینه‌ای مؤثر بر آن در میان زنان شهر تهران*

حجیه بی بی رازقی نصرآباد*، علی رحیمی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۱۵)

چکیده

احساس امنیت، یکی از مهمترین نیازهای انسان به شمار می‌رود و بسیاری از تصمیمات و رفتارهای افراد در حوزه‌های مختلف را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. هدف این مقاله بررسی ابعاد مختلف احساس امنیت و عوامل جمعیتی - اجتماعی مؤثر بر آن در میان زنان شهر تهران است. نمونه مورد بررسی، ۴۵۶ زن ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله در شهر تهران می‌باشد. میانگین شاخص کلی احساس امنیت پاسخگویان ۵۲٫۲ و در سطح متوسط است. کمترین احساس امنیت مربوط به امنیت اقتصادی با میانگین ۶٫۶۷ است و پس از آن، احساس نگرانی از آسیب‌های اجتماعی با میانگین ۷٫۴۴ قرار دارد. در سایر ابعاد (امنیت در شهر، امنیت فکری و امنیت ازدواجی)، سطح متوسطی از احساس امنیت وجود دارد. میانگین شاخص امنیت اقتصادی عینی در کل خانوارهای نمونه ۶٫۰۱ است یعنی به لحاظ امنیت اقتصادی عینی در سطح متوسط می‌باشند. افراد غیرشاغل و افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر و افرادی که سن خود یا همسرانشان زیر ۳۰ سال است، احساس امنیت و امنیت اقتصادی عینی کمتری نسبت به سایر افراد دارند. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد سه متغیر سطح تحصیلات، امنیت اقتصادی عینی و قومیت، در مقایسه با سایر متغیرها سهم به‌مراتب بیشتری در پیش‌بینی احساس امنیت دارند. دسترسی زنان به منابع مالی و مشارکت اجتماعی باعث می‌شود که کنترل بیشتری بر شرایط زندگی و محیط اطراف خود داشته باشند، و در تبدیل شرایط ناامن به امن موفقیت بیشتری کسب نمایند.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، امنیت اقتصادی عینی، مشخصه‌های جمعیتی اجتماعی، زنان، شهر تهران.

✦ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان تأثیر احساس امنیت بر رفتارها و ایده‌آل‌های باروری است و داده‌های آن برگرفته از طرح تحولات باروری در ایران ۱۳۹۶ است که با حمایت مالی مؤسسه ملی تحقیقات سلامت انجام شده است.

* دانشیار جمعیت‌شناسی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (نویسنده مسئول)

hajiieh.razeghi@psri.ac.ir

** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی و کارشناس پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی

ali.rahimi@psri.ac.ir جمعیت کشور

مقدمه

یکی از نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها داشتن امنیت است؛ نیازی که در هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو از آن به‌عنوان یکی از نیازهای اولیه انسان نام برده شده است. مازلو در این هرم، نیاز به امنیت را در طبقه دوم سلسله مراتب نیازها رتبه‌بندی نموده و امنیت را شامل امنیت شخصی در برابر جرایم، امنیت مالی و شغلی، امنیت بهداشت و سالم بودن، امنیت در برابر حوادث و... قرار داده است (سام‌آرام، ۱۳۸۸: ۲۱). در هر جامعه‌ای که انواع تهدیدهای فردی نظیر تهدید جانی، تهدید مالی، تهدید حیثیتی و... وجود دارد، کنشگران اجتماعی از احساس امنیت لازم برای زیست اجتماعی برخوردار نخواهند بود (بیات، ۱۳۸۸: ۳۵). زیرا کنشگران در انجام کنش، با مراجعه به ذهنیت روان‌شناختی و تاریخی خود، اقدام به تصمیم‌گیری و انجام کنش می‌نمایند. از این‌رو، ارزیابی و احساس آنها از فضای کنش نقش بستری و زمینه‌ساز در این تصمیم‌گیری ایفا می‌نماید.

امنیت در خود حامل معانی اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و نهراسیدن است. یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت‌های عینی و برونی) در این واژه نهفته است (موذن‌جامی، ۱۳۸۴: ۱۹). در دیدگاه سنتی، امنیت صرفاً به معنی حصول شرایط فردی، گروهی و اجتماعی است که عاری از خشونت و پرخاشگری باشد. در دیدگاه مدرن و نوین، امنیت هم‌ایمنی ناشی از فقدان خشونت را در بر می‌گیرد و هم مبتنی بر شرایطی است که انسان به لحاظ شغلی، خانوادگی، فکری و عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و... نیز در آسودگی یا در رفاه و آسایش باشد. در این دیدگاه هر نوع تأمین اجتماعی و هر نوع مصونیت انسان در برابر آسیب‌های اجتماعی، جسمی و روانی در زمره موضوع امنیت قرار می‌گیرد (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). امنیت به این معنا پیوند عمیقی با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد (جهانی‌دولت‌آباد و چمنی، ۱۳۹۳: ۷). گیدنز^۱ امنیت را موقعیتی می‌داند که در آن یک رشته خطرهای خاص، مقابله و یا به حداقل رسانده شده باشد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۴). از این‌رو، گیدنز مصونیت در برابر خطر را امنیت می‌نامد و در نظر او خطر و امنیت دو روی سکه را تشکیل می‌دهند به‌گونه‌ای که وقتی امنیت وجود دارد خطر رخت بر می‌بندد و بالعکس، هنگام دست و پنجه نرم کردن با خطر، امنیت مغشوش و پنهان است (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۳۳).

امنیت را می‌توان از دو بُعد "عینی" و "ذهنی" بررسی کرد. در معنای عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده است (بوزان، ۱۳۸۷: ۸۶). در این معنا، امنیت، اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها است و به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه اشاره دارد که تغییرات در میزان آنها امنیت جامعه را تغییر می‌دهد. امنیت در این مفهوم بر اساس شاخص‌هایی چون نرخ آسیب‌های اجتماعی، وقوع جرایم و بزهکاری، آشفستگی‌های (آنومی) اجتماعی، مهارت و قدرت عمل پلیس در مقابله با جرایم و ناامنی، و هماهنگی نهادها و سازمان‌های ذیربط در حوزه کنترل آسیب‌ها و جرایم، قابل سنجش است (جهانی دولت‌آباد و چمنی، ۱۳۹۳: ۷). امنیت در معنای ذهنی، همان احساس امنیت است. احساس امنیت، پدیده‌ای روان‌شناختی-اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است که افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس آزادی نسبی از خطر این احساس، وضع خوشایندی را در افراد ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵).

شاید تا چند دهه اخیر، متفکران اجتماعی بین امنیت و احساس آن چندان تفاوتی قایل نبودند؛ ولی به واسطه تغییر و تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید، مشخص شد که بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل انکاری پیدا کرده است؛ چرا که این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی آن است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تقلیل نیست (بیات، ۱۳۸۸: ۱۶). به عقیده بسیاری از کارشناسان، چه بسا احساس امنیت در جامعه مهمتر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش‌های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد (افشانی و ذاکری هامانه، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

احساس امنیت حالتی است که آحاد جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتد. احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان به میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم‌خیز در آن جامعه باز می‌گردد و هر قدر فراوانی جرم و شرایط جرم‌خیز بالاتر باشد، احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است. از دیدگاه روانشناسی، احساس امنیت عبارت است از: احساس اعتماد، آرامش و

رهایی از اضطراب و ترس در رابطه با برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده. بر اساس این تعریف، مشخص می‌شود که امنیت اولاً یک احساس است؛ ثانیاً این احساس مربوط به رفع نیازهای خود در حال و آینده می‌باشد، به همین دلیل، اینکه فرد بتواند آینده خود را در جهت رفع نیازهای شخصی پیش‌بینی کند، برای احساس امنیت امری ضروری به شمار می‌رود. با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس ایمنی می‌کند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵).

بنابراین، بر اساس تمایز میان مرز احساس و واقعیت می‌توان احساس امنیت را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاهی ممکن است ناامنی‌هایی در جامعه وجود داشته باشد ولی مردم احساس نکنند، زمانی نیز موارد و مصادیق ایجاد ناامنی کم است اما مردم احساس امنیت نمی‌کنند. حالت چهارگانه رابطه بین بعد عینی و ذهنی امنیت عبارت است از: ۱. امنیت وجود دارد، احساس امنیت نیز وجود دارد؛ ۲. امنیت وجود ندارد، احساس امنیت وجود ندارد؛ ۳. امنیت از نظر پلیس و معیارها و شاخص‌های آن وجود دارد، اما مردم احساس امنیت نمی‌کنند و ۴. امنیت با شاخص‌های پلیس وجود ندارد، اما مردم احساس امنیت می‌کنند (پورمؤذن، ۱۳۸۳).

منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف، متفاوت است و این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار می‌باشند. در سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت، عمده منابعی هستند که ساختار کلان احساس امنیت در افراد را شکل می‌دهند. روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش‌های بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضائیه، نظام پولی، نظام‌مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و بسیاری دیگر از پارامترها ساختار میانی احساس امنیت در گروه‌های جامعه را شکل می‌دهند. در سطح خرد نیز روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل و غیره و برخوردهای اقتصادی - اجتماعی افراد، احساس امنیت را شکل می‌دهد. بنابراین احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۶).

اما نکته حایز اهمیت اینکه اختلال در امنیت و بروز شرایط نگرانی ناشی از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و دغدغه‌ساز عینی و ذهنی در جامعه، هزینه تعاملات اجتماعی و بسیاری از کنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. در این شرایط کنشگران در انجام کنش با مراجعه به تجارب تاریخی، وضعیت کنونی و یا ذهنیت روانشناختی خود، به ارزیابی کنش می‌پردازند و نتایج ارزیابی‌ها و بررسی فضای کنش افراد، مبنای تصمیم‌گیری و انجام کنش آنها خواهد شد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۷). بنابراین، بررسی ابعاد مختلف احساس امنیت و عوامل اثرگذار بر آنها از اهمیت بالایی برخوردار است.

تجربه احساس ناامنی و ترس در بین زنان به دلیل غلبه مردان بر گفتمان‌های علمی و نیز تابوهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی که پیرامونشان را احاطه کرده، به یکی از دغدغه‌های مشترک زنان در شهرهای گوناگون جهان مبدل شده است (موحد و همت، ۱۳۹۲: ۵۸). در مطالعه حاضر نیز تلاش می‌شود ابعاد احساس امنیت و عوامل جمعیتی - اجتماعی مؤثر بر آن در میان زنان شهر تهران مورد بررسی قرار گیرد و ارتباط آن‌ها با عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی نیز آزمون شود. اهمیت بررسی احساس امنیت زنان از چندین جهت اهمیت دارد؛ اولاً که درک زنان از امنیت و نیازهای امنیتی آنها به طرز معناداری از مردان متفاوت است (موحد و همت، ۱۳۹۲: ۵۷) و احساس امنیت کمتری نسبت به مردان می‌کنند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۵). ثانیاً احساس امنیت زنان می‌تواند در شکل‌گیری روندهای جمعیتی مؤثر باشد (کوهلر و همکاران ۲۰۰۱؛ عباسی شوازی و خانی ۱۳۹۴). یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسئولیت‌های زندگی زنانشویی یعنی فرزندآوری بر عهده زنان است و آنها نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری در این زمینه دارند. تصمیمی که به‌طور قابل ملاحظه تحت تأثیر ابعاد مختلف امنیت آن‌ها در سطح خانواده و جامعه قرار دارد. با این حال به دلیل اهمیت موضوع، در مطالعه حاضر به‌طور خاص، به بررسی احساس امنیت زنان پرداخته می‌شود، در مقاله دیگری رابطه احساس امنیت با رفتارها و نیات باروری بررسی خواهد شد. بنابراین، مقاله پیش‌رو به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که وضعیت احساس امنیت، در زنان ۴۹-۱۵ ساله ساکن شهر تهران چگونه است؟، و همچنین احساس امنیت تحت تأثیر چه عوامل جمعیتی - زمینه‌ای قرار دارد؟

چارچوب نظری

امنیت اجتماعی از جمله مفاهیمی است که از گذشته مورد توجه بوده و در دهه‌های اخیر، خصوصاً بُعد ذهنی آن یا همان احساس امنیت، در کانون توجه بسیاری از صاحب‌نظران و محققین علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است.

وضعیت اقتصادی و کار در سطح جامعه، به‌عنوان یکی از ابعاد مهم و تعیین‌کننده احساس امنیت را می‌توان در نظریات کارل مارکس^۱، استنباط نمود. به عقیده مارکس، سازمان‌بندی اقتصادی، به‌ویژه مالکیت و ابزار تولید، ساختار کل جامعه را تعیین می‌کند. او معتقد است که انسان اجتماعی و آگاه، برای رفع نیازهای جسمانی خود، میل به انجام فعالیت آگاهانه (یعنی کار) دارد. لذا، او «امنیت» را در ارتباط با «کار» معنا می‌کند و امنیت را به دفع خطرات و آسیب‌ها به‌منظور استمرار بقاء و حیات بشر و بهبود شرایط زندگی در نظر می‌گیرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰). از نظر تالکوت پارسونز^۲، جامعه متشکل از اجزایی است که اصطلاحاً پایگاه نقش‌ها نامیده می‌شود. بنابراین، وقتی خرده‌سیستم‌ها به ایفای نقش‌های خویش بپردازند و آسیبی متوجه آنان نباشد؛ همچنین، امکان کسب فرصت‌ها برای انسجام آنان فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار می‌شود (بایبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹). پارسونز برای امنیت اجتماعی، چهار بُعد قائل است که هر کدام از آنها به یک خرده سیستم جامعه مربوط می‌شوند و از برآیند برخوردار می‌توانند. این چهار بُعد عبارتند از: امنیت اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی و فرهنگی، به ترتیب، در نظام فکری پارسونز ضروری هستند و هر یک از جایگاه خاصی برخوردارند. فقدان هر یک از این ابعاد، روند سایبرنتیکی را دچار اختلال می‌نماید و دنیای کارکردها را مختل و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشان‌حالی می‌کند؛ بنابراین، برای داشتن جامعه‌ای توأم با آرامش و اطمینان خاطر، لازم است به هر چهار بُعد امنیت توجه داشت و با تضمین آنان، امنیت جامعه را فراهم نمود (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰). در نظریه پارسونز، یکی از عوامل عمده افزایش ناهنجاری که منحل امنیت جامعه است، بیکاری و میزان افزایش آن، ناامنی شغلی و نبود اطمینان از تأمین مخارج زندگی است (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۴۷). باری بوزان^۳، نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»

1- Karl Marx

2- Talcott Parsons

3- Buzan

به کار برد. این مفهوم تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج‌بعدی او به مقوله امنیت بود. دیگر بخش‌های رویکرد وی عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی^۱. تمام این ابعاد و از جمله امنیت اجتماعی، همگی بخش‌هایی از امنیت ملی^۲ هستند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲). بوزان امنیت اجتماعی را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص‌سازی کرده و از این نگاه، حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه را شرط تحقق امنیت برای بقاء و تداوم جامعه می‌داند. او بحث خود در باب امنیت اجتماعی را با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به‌عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد (بیات، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵). به عقیده بوزان، عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود، متغیر باشند. به عقیده بوزان، این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها، بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند. بنابراین، برخی از تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی جامعه می‌شوند، ممکن است نظامی باشند، مانند کشتن اعضای گروه و فتح قلمرو تاریخی آنها. اما برخی دیگر نیز ممکن است غیرنظامی باشند، مانند محروم کردن از حقوق، زبان و آزادی دینی و شیوه پرستش. در هر حال، تهدیدات تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زمانی روی می‌دهند که جوامع به این نتیجه می‌رسند که در شرایط کنونی، هویت «ما» مورد تهدید و تعرض واقع شده است (بوزان، ۱۹۹۳).

بوزان در بحث امنیت فردی، عواملی که امنیت افراد را به خطر می‌اندازد به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. تهدیدهای فیزیکی یا جسمی: مانند درد، صدمه و مرگ و ... ۲. تهدیدهای اقتصادی: مانند تصرف و تخریب اموال و دسترسی نداشتن به کار یا منابع و ... ۳. عوامل تهدیدکننده حقوق و موقعیت: مانند زندانی شدن، از دست دادن آزادی‌های مدنی، تنزل رتبه و بوزان در بحث امنیت واقعی و احساس امنیت، معتقد است که احساس امنیت به هیچ روی به منزله وجود امنیت واقعی نیست. برای مثال، اگر فرد مرفهی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم،

1- Military, Política, Economical & Environmrntal Security

2- National Security

نمی‌توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای وی تأمین گردد. چرا که هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به‌طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی، از جمله تهدیدات (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی) و تهدیدات فرهنگی (عدم دسترسی به دانش و معرفت، تضعیف الگوهای فکری-رفتاری) قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۸۷).

دیدگاه ال ویور^۱ که بیشتر به ارزش‌های ذهنی و گروهی بها می‌دهد، به رهیافت جامعه‌محور مشهور است. این رهیافت معتقد است که تهدیدات بیشتر علیه ارزش‌ها و هویت گروه‌های اجتماعی است و در نتیجه امنیت اجتماعی زمانی به دست می‌آید که خرده‌فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود کرده و ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند. از این‌رو، مهمترین منبع تحقق امنیت اجتماعی، خود جامعه و گروه‌های گوناگون موجود در آن است. باری بوزان و ال ویور در نقد لیبرالیسم، بر وجود فاصله طبقاتی بین افراد و جوامع تأکید نموده و معتقدند که ناامنی اقتصادی از رهاوردهای لیبرالیسم است که هم اصل ناامنی و هم احساس ناامنی را در حیات بشری افزون کرده است. به این ترتیب، این دو، بر رابطه مثبت میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی و امنیت تأکید می‌ورزند (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳).

بر اساس نظریه نیاز انسانی، احساس امنیت زمانی حاصل می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود. در غیراین صورت، انسان با ناامنی روبرو می‌شود. بر اساس این نظریه، نیازهای جسمی، فکری و روحی افراد و گروه‌ها باید تأمین شود، در غیراین صورت، بقاء و بهزیستی افراد در جوامع به خطر خواهد افتاد. در اینجا افراد و گروه‌ها واحد تحلیل هستند و از راه آن چارچوبی فراهم می‌شود که نیازهای انسانی تأمین شوند و در درون ارزش‌ها، هنجارها و منافع و قدرت متبلور شوند (بوروز^۲، ۱۹۹۶). این نظریه امنیت را در شرایطی مطمئن می‌داند که ناظر بر زیست و بقای مستمر شرایط و وضعیت اکولوژیک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی لازم برای کلیه افراد و گروه‌های هویتی می‌باشد (موحد و همت، ۱۳۹۲: ۶۴). از معروف‌ترین

1- Ole Weaver
2- Burrowes

صاحب‌نظران این نظریه، سایتس^۱ است که نیازهای اساسی انسان را به نیاز به واکنش، امنیت، به رسمیت شناختن، انگیزش، عدالت توزیعی، معنا، عقلانیت و کنترل می‌داند. رویکرد آسیب‌پذیری، نگاهی جامعه-جمعیت‌شناسانه دارد. این رویکرد از آن محققانی همچون مکینتایر^۲، باکس و هیل^۳ است (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹). این رویکرد، عواملی مانند جنسیت، سن، موقعیت اجتماعی - اقتصادی، فقر، وضعیت تأهل، وابستگی مذهبی، شرایط زندگی، زندگی تنها یا با دیگران و... را در میزان آسیب‌پذیری مهم می‌داند و برداشت و ادراک افراد از میزان آسیب‌پذیری در برابر قربانی شدن را عامل اصلی در نظر می‌گیرد و معتقد است افرادی که خود را آسیب‌پذیرتر از دیگران تصور می‌کنند، احساس امنیت کمتری دارند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۵). در رویکرد آسیب‌پذیری، جنسیت بیشترین قابلیت را برای توضیح و پیش‌بینی احساس امنیت دارد. مطالعات بسیاری رابطه بین این دو پدیده را تأیید کرده‌اند و نشان داده‌اند که معمولاً زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی را گزارش می‌کنند. بخشی از علل و زمینه‌های افزایش خطر و کاهش احساس امنیت در جامعه معاصر را می‌توان در پیامدهای مدرنیته متأخر و محصول آن، "جامعه مخاطره‌آمیز" جستجو نمود که ریش بک^۴ (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۴)، نظریه‌پرداز معروف آن به‌شمار می‌رود. از نظر بک، مدرنیته، دو فاز یا فرایند را پشت سر گذاشته است؛ اول، قرن ۱۹ و عصر روشنگری که جامعه سنتی را در هم شکسته و جامعه‌ای صنعتی را ایجاد کرده است (فرایند مدرنیزاسون کلاسیک)، دوم، از حدود دهه ۱۹۷۰ در اروپا که باید آن را مدرنیزاسیون جامعه صنعتی خواند. مدرنیته‌ای که می‌تواند تعمق مدرنیته و ارزش‌های آن تلقی شود. این جامعه جدید، به‌نوعی جامعه ریسک است (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). مدرنیته اگرچه مخاطره‌های کلی در برخی از حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی را کاهش می‌دهد، اما عوامل مخاطره‌آمیز جدیدی را مطرح می‌سازد که در گذشته به‌طور کلی ناشناخته بود (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). گیدنز و بک معتقد هستند که خطر کردن و در معرض خطر قرار گرفتن، چیزهایی هستند که در جوامع مدرن وجود دارند. مدرنیته سیمای مخاطره‌آمیزی دارد. گرچه در بسیاری از حوزه‌های فعالیت اجتماعی امنیت

1- Sites

2- McIntyre

3- Box and Hale

4- Ulrich Beck

نسبی گسترده‌ای پدید آمده، با این حال خطرها و تهدیدهای تازه‌ای نیز برای انسان‌ها به وجود آمده است. شرایطی که بر وجود امنیت دلالت نداشته باشد، اطمینان‌بخش نیست افراد جامعه احساس خطر می‌کنند. جامعه مخاطره‌آمیز، فقط به بیم و خطرهای محیط‌زیستی و سلامت و بهداشت محدود نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه کاملی از تغییرات مرتبط به هم در زندگی اجتماعی معاصر است؛ تغییر در الگوهای اشتغال، افزایش ناامنی شغلی، کاهش نفوذ سنت و رسوم بر هویت شخصی، اضمحلال الگوهای خانواده سنتی و دموکراتیک شدن روابط شخصی. از آنجا که آینده‌های شخصی بسیار کمتر از جوامع سنتی ثابت و مقدر است، همه انواع و اقسام تصمیم‌گیری‌ها مخاطراتی را برای افراد در بر دارند. به عنوان مثال، ازدواج کردن، امروز بسیار بیش از زمانی که یک نهاد مادام‌العمر بود، اقدامی مخاطره‌آمیز است. تصمیم‌گیری در مورد تحصیل کردن و آینده شغلی نیز می‌تواند بیم و خطرهایی داشته باشد (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۸-۱۰۹). ترس ناشی از ناامنی افراد به طرق مختلف وارد عمل می‌شوند. نااطمینانی از شرایط اقتصادی-اجتماعی و عدم اطمینان درباره چشم‌انداز آینده، باعث می‌شود که ازدواج و تشکیل خانواده اقدامی مخاطره‌آمیز شود و در تصمیم‌گیری برای آنها ترس و تردید ایجاد شود (کوهلر و همکاران ۲۰۰۱) زیرا «تشکیل خانواده یا والدین شدن جزء تعهدات بلندمدت و به شدت نیازمند منابع هستند و زمانی که آینده ناامن درک شود، این ترتیبات به آینده موکول می‌شوند یا مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرند» (برناردی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۹۲).

به‌طور کلی، احساس امنیت متأثر از وضعیت «اقتصادی»، «سیاسی و نظامی»، «حقوقی و قضایی»، «فرهنگی» و نیز «زیست‌محیطی» جامعه می‌باشد و هر یک از این متغیرهای سطح کلان، به واسطه متغیرهای زیرمجموعه و سطوح پایین‌تر خود، سطح امنیت و احساس امنیت افراد را تعریف می‌کنند (بیات ۱۳۸۸). مطابق با نظر گیدنز دسترس بیشتر افراد به منابعی که بتواند تا حد زیادی چشم‌انداز بهتری برای فرد ایجاد کند، در کاهش احساس ناامنی تأثیر به‌سزایی دارد. در مطالعه پیش‌رو با بهره‌گیری از نظریات مطرح شده، تلاش می‌شود تأثیر منابع در دسترس بر احساس امنیت زنان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، بر اساس مطالعات زیادی (ساروخانی و نویدنیا ۱۳۸۵، نوروزی و فولادی سپهر ۱۳۸۸، زارع شاه‌آبادی و ترکان ۱۳۹۰ و هزارجریبی و همکاران ۱۳۹۳) احساس امنیت، تحت تأثیر امنیت اقتصادی قرار داشته و زمانی که امنیت اقتصادی بالا می‌رود، افراد در بسیاری از جنبه‌ها احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

بر این اساس مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان منابع، در دسترس افراد در نظر گرفته شده است و دو فرضیه اساسی به شرح زیر آزمون می‌شود:

فرض می‌شود ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی مختلف (نظیر سطح تحصیلات، محل سکونت تا ۱۴ سالگی، وضعیت اشتغال و قومیت) احساس امنیت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرضیه دیگر مطالعه این است که امنیت اقتصادی عینی، تأثیر مثبتی بر احساس امنیت دارد.

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در حوزه امنیت اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن مطالعات متعددی در سطح جهان و از جمله در ایران انجام شده است. در مطالعه‌ای در استرالیا، بل^۱ (۱۹۹۸) به این نتیجه رسید که زنان به‌طور عموم از مواردی نظیر بیرون رفتن در هنگام شب، موقعیت‌های ابتدایی و یا انتهای در سفرهای حمل و نقل عمومی، مثل منتظر ماندن در یک ایستگاه اتوبوس یا پیاده‌روی از ایستگاه به سمت ماشین پارک شده، استفاده از پارکینگ‌های مرکز شهر به‌ویژه در شب و مخصوصاً اگر طبقاتی باشند، رانندگی تنها در شب، فضاهای باز و حومه‌ای و زیرگذرها و کوچه‌های بن‌بست واهمه دارند.

کاراکوس^۲ و همکارانش (۲۰۱۰) در بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر احساس امنیت (ترس از جرم) شهروندان ترکیه‌ای، نمونه‌ای ۶۷۱۳ نفره را مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که افزایش سن افراد، تنها در بین زنان (فقط در مناطق شهری و نه روستایی) از احساس ناامنی می‌کاهد. افزایش سطح تحصیلات نیز فقط در مناطق شهری بر کاهش احساس ناامنی مؤثر است. مطالعه ویور^۳ (۲۰۱۰) در آمریکا نیز نشان داد که احساس امنیت زنان با حمایت اجتماعی مرتبط است. به‌نحوی که زنانی که در خانواده خود مورد توجه همسر و حتی فرزندان خود هستند، احساس آرامش و امنیت بیشتری دارند و با شادی و نشاط بیشتر کارهای روزمره خود را پیگیری می‌کنند.

کیلپاس و کلریکی^۴ (۲۰۱۳) به این نتیجه دست یافتند که جنسیت و سن به‌عنوان عواملی تأثیرگذار در پیش‌بینی ترس از راه رفتن بعد از ساعت ۱۰ شب در خیابان برای افراد به‌شمار می‌رود، هر چند آنها تصدیق کرده‌اند که مسایلی مانند روشن بودن خیابان و بهبود عوامل

1- Bell

2- Karakus

3- Weaver

4- Killias & Clerici

محیطی و اصلاح محیط زیست، در مطالعه آنها در نظر گرفته نشده است، اما آنها اشاره می‌کنند که تفاوت‌های فردی، بیشتر از عوامل محیطی می‌توانند به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر ترس از جرم و ناامنی شناخته شوند.

در تحقیقی پیمایشی که توسط بیات (۱۳۸۷) در شهر تهران صورت گرفت، تأثیر متغیرهایی از جمله عوامل فردی و خانوادگی، میزان بروز جرایم، در معرض جرم شدن، عملکرد پلیس و نیز پرداخت رسانه‌ای بر احساس امنیت شهروندان بالای ۱۸ سال مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان داده که میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت، منطقه محل سکونت، تأهل، و سن پاسخگویان متفاوت است. همچنین بین میزان احساس ناامنی و متغیرهای میزان بروز جرایم، پرداخت رسانه‌ای، هویت و اعتماد رابطه معنی‌دار وجود دارد.

نبوی و همکارانش (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان دادند که پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هویت ملی، تأثیری افزاینده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، اثری کاهنده بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی‌قدرتی، به‌صورت مستقیم بر هویت قومی و به‌صورت معکوس بر هویت ملی افراد اثرگذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد تأثیر دارند.

مطالعه نادری و همکارانش (۱۳۸۹) بر روی افراد ۶۴-۱۵ سال در شهر اردبیل نشان داد زنان کمتر از مردان احساس امنیت دارند و ارتباط احساس امنیت با مؤلفه‌های سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و درآمد ماهانه خانواده معنی‌دار نیست، اما بین هزینه‌های خانواده و نوع شغل افراد و محل سکونت ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۰) مطالعه‌ای پیمایشی را با هدف بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد (۳۶۲ نفر از افراد متأهل سرپرستان خانوار) انجام دادند. نتایج مطالعه این محققان نشان داده است که احساس امنیت ۶۲/۷ درصد افراد در سطح کم، ۳۵/۳ درصد در سطح متوسط و ۲/۲ درصد نیز در سطح بالا قرار دارد. همچنین بین احساس امنیت با متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، تحصیلات، شغل و درآمد رابطه معناداری وجود دارد. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی، احساس نظارت نهادی، اعتماد بین شخصی، هنجار اجتماعی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار، و بین متغیر احساس آنومی و احساس امنیت رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

احمدی و کلدی (۱۳۹۱) در پژوهشی پیمایشی در شهر سنندج، عوامل اجتماعی مؤثر بر

احساس امنیت اجتماعی زنان ۶۵-۱۸ ساله را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های توصیفی آنها بیانگر احساس امنیت اجتماعی متوسط در بین زنان بود. یافته‌های تحلیلی نیز نشان داد بین امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، اما متغیرهای پایبندی مذهبی، پوشش مناسب، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رسانه‌های ارتباط فرهنگی، رابطه‌ای با احساس امنیت اجتماعی ندارند.

حسینی نثار و قاسمی (۱۳۹۱) در بررسی وضعیت احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در ایران، مطالعه‌ای پیمایشی را در مراکز ۷ استان انجام دادند. طبق نتایج مطالعه این محققان، ۵۸ درصد پاسخگویان از احساس امنیت کمی برخوردار بوده‌اند و سه متغیر اعتماد، ارزیابی از وقوع جرایم در جامعه و هزینه ماهانه خانوار با احساس امنیت رابطه معناداری را نشان داده‌اند. افشانی و ذاکری هامانه (۱۳۹۱) پیمایشی را با هدف بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان و مردان ۱۸ ساله و بالاتر ساکن شهر یزد انجام دادند. آنها احساس امنیت اجتماعی را در دوازده بعد (جانی، شغلی، مالی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی، اعتقادی، ازدواجی، احساسی، حقوقی، قضایی و نوامیس) به تفکیک زنان و مردان مورد سنجش قرار دادند. یافته‌های آنها نشان داد که در جامعه مورد مطالعه، احساس امنیت جانی در زنان به‌طور معنی‌داری کمتر از مردان است، در حالی که احساس امنیت اقتصادی در مردان پایین‌تر از زنان بوده است. در سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی، تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان مشاهده نشده است.

هزارجریبی و همکارانش (۱۳۹۳) تحقیقی پیمایشی را در بین شهروندان (زن و مرد) شهر تهران با هدف بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن انجام دادند. در این تحقیق، چهار بُعد امنیت اجتماعی (جانی، مالی، فکری و جمعی) مورد بررسی قرار گرفته و برای سنجش مجموع این ابعاد از ۱۴ گویه استفاده شده است. طبق نتایج به‌دست آمده، میزان احساس امنیت اجتماعی بیشتر شهروندان در حد متوسط و پایین قرار داشته است. از میان چهار شاخص در نظر گرفته شده برای احساس امنیت اجتماعی، شاخص‌های امنیت مالی و جانی، میانگین به‌مراتب بیشتری از امنیت فکری و جمعی داشته‌اند.

کرد زنگنه و همکارانش (۱۳۹۵) در بررسی رابطه عوامل اقتصادی-اجتماعی با احساس امنیت زنان سرپرست خانوار در شهرستان رامهرمز، هشت بُعد احساس امنیت (امنیت جانی، مالی، فرهنگی، حقوقی، نوامیس، اخلاقی، احساسی و عاطفی) را مورد بررسی قرار دادند. این محققان در بررسی خود نشان دادند که بین میزان تحصیلات، نگرش به پوشش، میزان درآمد،

حمایت اجتماعی، علت سرپرستی و احساس امنیت رابطه وجود دارد. به طوری که زنان با سطح تحصیلات بالاتر و نگرش مثبت تر نسبت به پوشش، بیشتر احساس امنیت می کنند و با افزایش میزان حمایت اجتماعی، میزان احساس امنیت نیز افزایش می یابد. طبق نتایج، زنانی که به علت ازکارافتادگی همسر، سرپرست خانوار خود هستند در بیشتر ابعاد احساس امنیت بیشتری نسبت به سایر زنان دیگر داشته اند. محققان مذکور در بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل، به این نتیجه رسیدند که فقط سه متغیر میزان تحصیلات، درآمد و حمایت اجتماعی، رابطه معناداری با احساس امنیت دارند که از بین آنها، حمایت اجتماعی، رابطه قوی تری دارد. بررسی پیشینه تحقیقاتی مرتبط با موضوع، نشان داد که در گستره زیادی از تحقیقات در حوزه علوم اجتماعی موضوع امنیت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال به جز موارد معدودی (عباسی شوازی و خانی ۱۳۹۴) در تحقیقات جمعیت شناسی، به بررسی احساس امنیت در طیف سنی ۴۹-۱۵ ساله زنان، به عنوان گروهی از جمعیت که نقشی اساسی در فرزندآوری و تصمیم گیری در این زمینه دارند، پرداخته نشده است. البته در این مقاله به دلیل اهمیت موضوع احساس امنیت زنان و همچنین جلوگیری از طولانی شدن مقاله، به رابطه احساس امنیت بر باروری پرداخته نشد و در مقاله دیگری بر این موضوع تمرکز شده است.

روش تحقیق

مطالعه حاضر به لحاظ روش، کمی، و به لحاظ اجرا، پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است. در این مطالعه از داده های طرح تحولات باروری در ایران ۱۳۹۶ استفاده شده است. این طرح در سال ۱۳۹۶ در استان های گیلان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، یزد و تهران اجرا شده است (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۸). اطلاعات مورد نیاز در استان تهران به صورت مصاحبه تلفنی جمع آوری گردید. به نحوی که مشخصات سرپرست خانوار به همراه آدرس و شماره تلفن آنها، توسط مرکز آمار ایران در اختیار تیم تحقیق قرار گرفت و مصاحبه ها توسط تیم پرسشگری مجرب در معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت گرفت. قبل از شروع مرحله جمع آوری داده ها، طی تماس تلفنی و پیامک ویژه معاونت بهداشتی، خانوارهای انتخاب شده، در خصوص اهداف مطالعه و زمان اجرای تحقیق مطلع شدند. مصاحبه های تلفنی در مردادماه ۱۳۹۶ آغاز و طی دو ماه تکمیل شدند و پس از آن تمامی پرسشنامه ها توسط مدیران دفتر

سلامت و خانواده، مورد بازبینی و نظارت قرار گرفتند. در مطالعه حاضر، از اطلاعات زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر تهران استفاده شده است. تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده ۴۵۶ مورد بوده که در این مطالعه همه آنها مورد تحلیل قرار گرفته است.

متغیر وابسته: متغیر وابسته این مطالعه، احساس امنیت است. بوزان (۱۳۸۷) تعریف لغوی امنیت را عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافتنی‌های شخصی) می‌داند. در این تحقیق، احساس امنیت در پنج بُعد ازدواجی (عاطفی)، نگرانی از آسیب‌های اجتماعی (اخلاقی)، اقتصادی، فکری و سکونت در شهر، بررسی شده است. برای سنجش این ابعاد، از افراد خواسته شد در هر بُعد، نظر خود را در ارتباط با گویه‌های در نظر گرفته شده بیان کنند. نمره ۱ به "احساس امنیت خیلی زیاد"، نمره ۲ به "احساس امنیت زیاد"، نمره ۳ به "تا حدی احساس امنیت"، نمره ۴ به "احساس امنیت کم" و نمره ۵ به "احساس امنیت خیلی کم" اختصاص یافت.

برای اندازه‌گیری متغیر احساس امنیت، ابتدا بر اساس اطلاعات به دست آمده از یافته‌های مطالعات پیشین، گویه‌های اولیه مشخص گردید. به منظور تعیین اعتبار این گویه‌ها از اعتبار محتوی، صوری و سازه استفاده شد. برای اندازه‌گیری اعتبار محتوی، به کمک تیمی از کارشناسان (پنج نفر از متخصصان حوزه جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد)، میزان مربوط بودن، ساده بودن و واضح بودن هر عبارت تعیین گردید. گویه‌هایی که وضوح و سادگی لازم برای سنجش ابعاد مختلف احساس امنیت را نداشتند، حذف و یا تغییر داده شدند. پرسشنامه توسط بیش از ۵۰ نفر از زنان ۴۹-۱۵ ساله ازدواج کرده در شهر تهران تکمیل گردید. گویه‌هایی که بی‌پاسخی آنها زیاد بود حذف شدند. به عنوان نمونه، در خصوص احساس امنیت، در این مرحله تصمیم گرفته شد از اندازه‌گیری سطح امنیت روانی و سیاسی صرف نظر شود. علاوه بر آن، در جلسات آموزش پرسشگری، صورت ظاهری گویه‌ها (روایی صوری)، از لحاظ قابلیت پذیرش و معقول بودن بررسی گردید و پرسشگران نظرات و پیشنهادات متعددی جهت بازنگری گویه‌ها ارایه نمودند، به گونه‌ای که عبارات مربوط به احساس امنیت در ابعاد اخلاقی، ازدواجی، شهری و فکری به چهار گویه و امنیت اقتصادی به پنج گویه تقلیل داده شد. علاوه بر اعتبار صوری، در زمان تحلیل داده‌ها نیز برای سنجش

روایی ابزار تحقیق از اعتبار سازه استفاده گردید. برای اندازه‌گیری اعتبار سازه از تحلیل عاملی^۱ استفاده گردید. در این مطالعه، مقدار آزمون بارتلت برابر با ۵۶۷۶/۸۲۳ بود که در سطح $P < ۰/۰۰۰$ معنادار بود. ضریب KMO نیز برای این تحلیل برابر با ۰/۸۴۴ بود که نشان می‌دهد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده‌اند. بدین ترتیب بر اساس اطلاعات موجود در ماتریس، داده‌ها معنادار و کفایت نمونه‌برداری، عالی است. بر پایه نتایج به‌دست آمده از اجرای تحلیل عاملی با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و با چرخش واریمکس، پنج عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک استخراج گردید.

جهت اندازه‌گیری پایایی ابزار، از همسانی درونی (آلفای کرونباخ) که به بررسی همبستگی و ثبات درونی ابزار می‌پردازد، استفاده شد. ضرایب به‌دست آمده برای امنیت شهری، ازدواجی، فکری و نگرانی از آسیب‌های اجتماعی، بالای ۰/۷۰ بود؛ اما برای امنیت اقتصادی ۰/۶۹۵ به‌دست آمد که با حذف گویه نداشتن شغل مناسب و یا احتمال از دست دادن شغل خود و یا همسر، ضریب آلفای کرونباخ به ۰/۸۸۰ افزایش یافت. از این رو، این عامل مشابه سایر ابعاد، به چهار گویه تقلیل یافت.

متغیرهای مستقل: متغیرهایی که اثر آنها بر روی احساس امنیت آزمون شده است به شرح

زیر می‌باشد:

سطح تحصیلات: سطح تحصیلات با گزینه‌های زیر اندازه‌گیری شده است: (۰ بیسواد (۱ خواندن نوشتن یا سواد قرآنی (۲ ابتدایی/نهضت/علوم دینی معادل (ع.د.م) ۳) راهنمایی یا دوره اول متوسطه (ع.د.م) ۴) دبیرستان یا دوره دوم متوسطه (ع.د.م) ۵) دیپلم یا پیش‌دانشگاهی (ع.د.م) ۶) فوق دیپلم/سطح ۱ (حوزه ۷) لیسانس/سطح ۲ (حوزه ۸) فوق لیسانس/سطح ۳ (حوزه ۹) دکترا/حوزه ۱۰) دوره خارج. در این تحقیق با توجه به پراکندگی نمونه بر اساس سطح تحصیلات، این متغیر به سه مقوله زیر دیپلم، دیپلم و دانشگاهی طبقه‌بندی شد.

وضعیت اشتغال: وضعیت اشتغال با این سؤال که در هفت روز گذشته وضعیت فعالیت شما

چگونه بوده است، پرسیده شد. پاسخ‌ها نیز شامل (۱) شاغل، (۲) بیکار جویای کار (کسانی که شاغل نبوده و در ۷ روز گذشته در جستجوی کار بوده‌اند) (۳) دارای درآمد بدون کار، (۴) دانش‌آموز یا دانشجو، (۵) خانه‌دار و (۶) سایر می‌باشد. این متغیر به دو طبقه شاغل و غیر شاغل طبقه‌بندی گردید.

سن: منظور، تعداد سال‌هایی است که از لحظه تولد تا زمان تحقیق، از عمر پاسخگو گذشته است. این متغیر در سطح فاصله‌ای است.

محل سکونت تا ۱۴ سالگی: این متغیر محل سکونت پاسخگو را تا ۱۴ سالگی با گزینه‌های همین شهر، شهر دیگر، روستایی از همین شهر، روستایی از شهرهای دیگر می‌سنجد. این متغیر به دو مقوله شهری و روستایی طبقه‌بندی شد.

امنیت اقتصادی عینی: برای ساختن این شاخص از سه متغیر وضعیت محل سکونت خانوار، سطح درآمد و همچنین وضعیت توان اقتصادی و مالی خانوار کنونی نسبت به ۵ سال گذشته استفاده گردید. هر کدام از این سه متغیر در سه سطح مجدد طبقه‌بندی شدند. وضعیت محل سکونت خانوار در سه سطح ملکی، مجانی و اجاره‌ای طبقه‌بندی شد. سطح درآمد نیز با توجه به مقدار میانگین و میانه هزینه‌ها و درآمد خانوار، به سه سطح بالا، متوسط و کم دسته‌بندی شد. به این صورت که ۵۰ درصد میانگین به‌عنوان درآمد کم، و ۲۰ درصد بالاتر از میانگین به‌عنوان درآمد بالا در نظر گرفته شد. در این مطالعه، میانگین درآمد خانوار دو میلیون و پانصد هزار تومان به‌دست آمد. لذا درآمدهای بیشتر از سه میلیون تومان به‌عنوان درآمد بالا، درآمدهای بین یک میلیون و دویست هزار و یک تومان تا سه میلیون تومان به‌عنوان متوسط و درآمدهای یک میلیون و دویست هزار تومان و کمتر به‌عنوان درآمد کم در نظر گرفته شد. وضعیت اقتصادی خانوار نیز در سه سطح بهتر شده است، فرقی نکرده است و بدتر شده است، دسته‌بندی گردید. از ترکیب این سه متغیر، شاخص امنیت اقتصادی عینی خانوار ساخته شد.

قومیت: برای مشخص نمودن قومیت افراد، زبان مادری به‌عنوان نماینده قومیت در نظر گرفته شد. این متغیر با گزینه‌های فارسی، ترکی، کردی، لری، عربی، بلوچی، مازندرانی / گیلکی و تالشی سنجیده شده و در تحلیل‌ها به دو مقوله فارس و سایر قومیت‌ها دسته‌بندی شد. در توصیف داده‌ها از همبستگی پیرسون و مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. در تحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

یافته‌ها

وضعیت امنیت اقتصادی عینی پاسخگویان

بررسی وضعیت امنیت اقتصادی عینی حاکی است که مالکیت مسکن ۴۲/۸ درصد از

خانوارهای نمونه، به صورت ملکی، ۱۲/۵ درصد مجانی و ۴۴/۷ درصد رهنی و اجاره‌ای بوده است. در متغیر سطح درآمد، درآمد ۱۶/۹ درصد از خانوارها، ۳ میلیون تومان و بالاتر (سطح درآمد بالا)، درآمد ۶۶/۲ درصد از خانوارها بین یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان تا سه میلیون تومان (سطح درآمد متوسط) و درآمد ۱۶/۹ درصد خانوارها نیز یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان تومان و کمتر (سطح درآمد پایین) به دست آمده است. در بُعد دیگر سنجش امنیت اقتصادی عینی (توان اقتصادی خانوار نسبت به ۵ سال گذشته)، پاسخگویان می‌توانستند به یکی از این سه گزینه پاسخ دهند: "بهبتر شده است"، "فرقی نکرده است"، "بدتر شده است". بر این اساس، ۳۱/۸ درصد پاسخگویان بیان کردند که توان اقتصادی آنها بهتر شده است، ۳۹/۹ درصد اظهار داشتند که توان اقتصادی آنها فرقی نکرده است و ۲۸/۳ درصد نیز گفتند که وضعیت اقتصادی آنها بدتر شده است.

همان‌طور که گفته شد، از ترکیب سه بُعد اقتصادی فوق، شاخص امنیت اقتصادی خانوار ساخته شد. نمرات این شاخص بین ۳ تا ۹ می‌باشد نمره ۹ بالاترین سطح امنیت اقتصادی عینی و نمره ۳ کمترین سطح امنیت اقتصادی عینی را نشان می‌دهد. بر این اساس، میانگین شاخص امنیت اقتصادی عینی جامعه مورد بررسی ۶/۰۱ به دست آمد که نشان می‌دهد امنیت اقتصادی عینی زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر تهران در سطح متوسط قرار دارد (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع زنان ۴۹-۱۵ ساله ازدواج کرده شهر تهران بر حسب امنیت اقتصادی عینی خانوار

درصد	فراوانی	طبقه	ابعاد امنیت اقتصادی خانوار
۴۲/۸	۱۹۵	ملکی	وضعیت مالکیت مسکن
۱۲/۵	۵۷	مجانی	
۴۴/۷	۲۰۴	رهن یا اجاره	
۱۶/۹	۷۷	۳ میلیون تومان و بالاتر	سطح درآمد
۶۶/۲	۳۰۲	۱۲۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ تومان	
۱۶/۹	۷۷	کمتر از ۱۲۵۰۰۰۰ تومان	
۳۱/۸	۱۴۵	بهبتر شده است	توان اقتصادی خانوار نسبت به ۵ سال گذشته
۳۹/۹	۱۸۲	فرقی نکرده است	
۲۸/۳	۱۲۹	بدتر شده است	
حد اکثر ۹	حد اقل ۳	میانگین ۶/۰۱	شاخص امنیت اقتصادی

وضعیت احساس امنیت پاسخگویان

در این مطالعه، وضعیت احساس امنیت افراد از طریق پرسیدن سؤالاتی در مورد میزان نگرانی فرد از گویه‌های مختلف اندازه‌گیری شد. در پرسشنامه، پاسخ‌های ۱ تا ۵ به ترتیب اصلاً تا خیلی زیاد را نشان می‌داد با توجه به اینکه شاخص این مطالعه احساس امنیت است، افرادی که پاسخ اصلاً دادند یعنی امنیت بالاتری دارند. بنابراین در تحلیل‌ها کدگذاری مجدد انجام شد و افرادی که پاسخ ۱ داده بودند نمره ۵ را گرفتند و برای بقیه مقادیر نیز کدگذاری مجدد انجام شد. نمره شاخص احساس امنیت کلی، طیفی از ۲۰ الی ۱۰۰ را شامل می‌شود. بر این اساس، نمرات بین ۲۰ تا ۴۶/۶ احساس امنیت پایین را نشان می‌دهد؛ نمرات بین ۴۶/۶ تا ۷۳/۲ بازگوکننده سطح متوسط احساس امنیت؛ و نمرات بالای ۷۳/۲، معرف سطح بالای احساس امنیت می‌باشد. جدول ۲ میانگین نمره پاسخگویان در ابعاد مختلف احساس امنیت نشان می‌دهد. میانگین شاخص احساس امنیت کلی پاسخگویان ۵۲/۲۰ به دست آمد که بیانگر آن است که نمونه مورد بررسی به لحاظ احساس امنیت، در سطح متوسط قرار دارند.

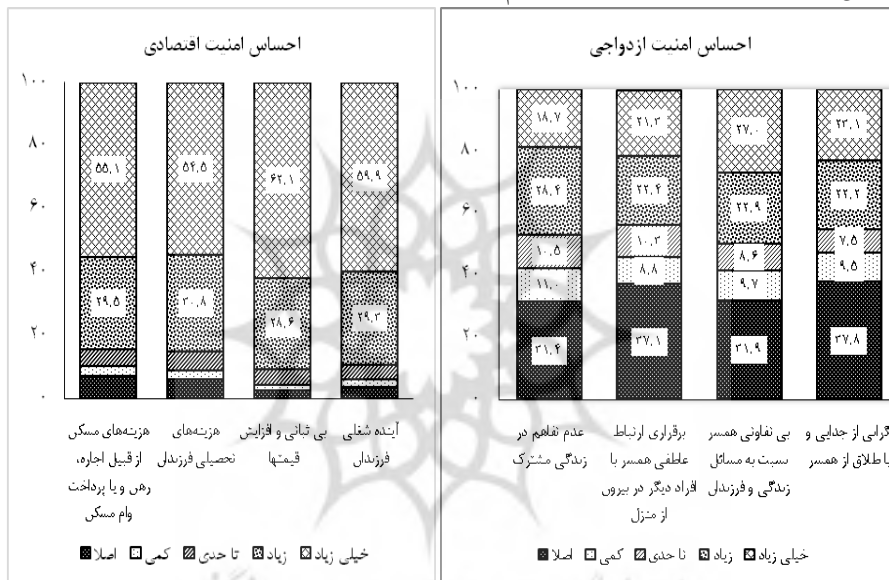
جدول ۲. وضعیت شاخص‌های احساس امنیت در میان زنان ۴۹-۱۵ ساله ازدواج کرده شهر تهران

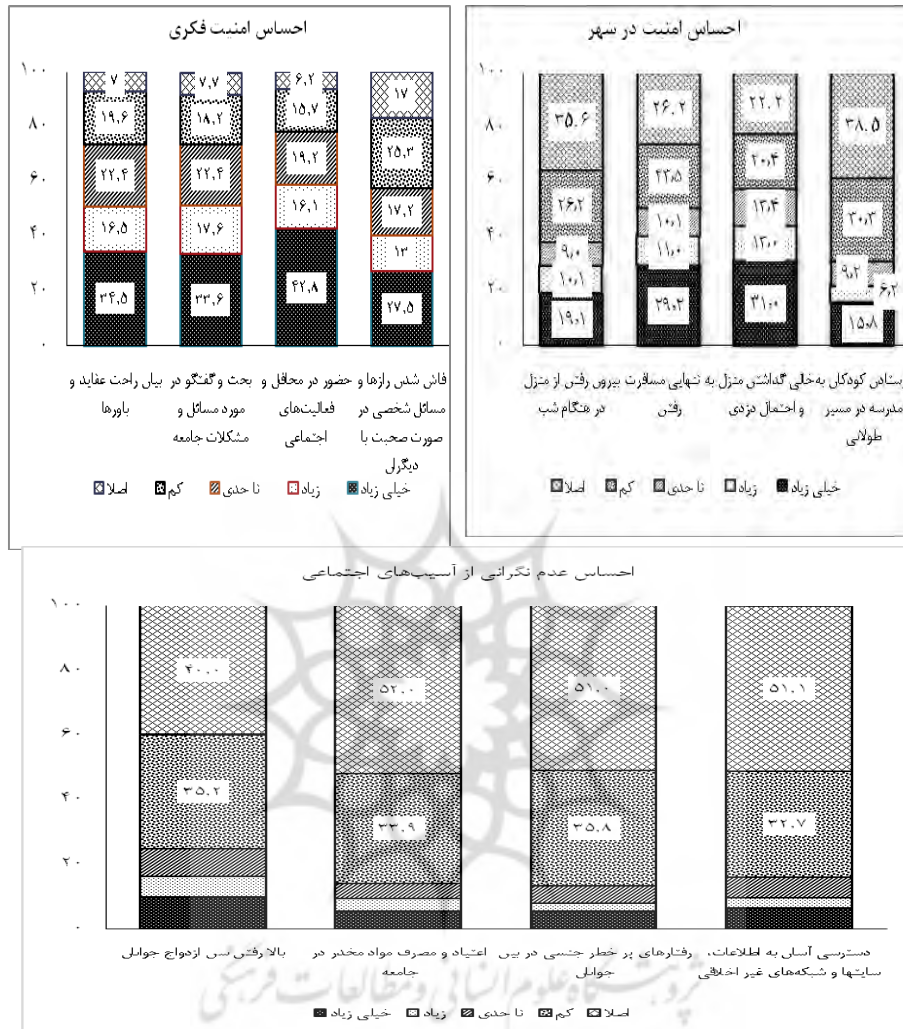
ابعاد امنیت	تعداد گویه‌ها	طیف نمرات	میانگین	میانه	مد	حداقل	حداکثر
امنیت در شهر	۴	۴-۲۰	۱۱/۸۳	۱۲	۱۰	۶	۲۰
امنیت فکری	۴	۴-۲۰	۱۳/۸۵	۱۴	۲۰	۴	۲۰
امنیت ازدواجی	۴	۴-۲۰	۱۲/۳۹	۱۲	۲۰	۴	۲۰
نگرانی از آسیب‌های اجتماعی	۴	۴-۲۰	۷/۴۴	۷	۴	۴	۲۰
امنیت اقتصادی	۴	۴-۲۰	۶/۶۷	۵	۴	۴	۲۰
احساس امنیت	۲۰	۲۰-۱۰۰	۵۲/۲۰	۵۱/۴	۴۲	۲۴	۹۰

در هر یک از ابعاد، نمره احساس امنیت، طیفی از ۴ الی ۲۰ را در بر می‌گیرد. نمرات بین ۴ تا ۹/۳ بیانگر، احساس امنیت پایین، نمرات بین ۹/۳ تا ۱۴/۶ بیانگر احساس امنیت متوسط و نمرات بالای ۱۴/۶ نشان‌دهنده احساس امنیت بالا می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کمترین احساس امنیت در نمونه مورد بررسی مربوط به احساس امنیت اقتصادی با نمره ۶/۶۷ است و پس از آن، احساس نگرانی از آسیب‌های اجتماعی با نمره ۷/۴۴ قرار دارد. در سایر ابعاد احساس امنیت (امنیت

در شهر، امنیت فکری و امنیت ازدواجی)، سطح متوسطی از احساس امنیت وجود دارد. به نحوی که نمره احساس امنیت فکری و امنیت ازدواجی در حد متوسط رو به بالا قرار دارد و نمره احساس امنیت در شهر، در حد متوسط رو به پایین قرار دارد.

نمودار ۱، توزیع درصدی پاسخگویان را بر حسب پاسخ به گویه‌های بازگوکننده احساس امنیت (به تفکیک ابعاد مختلف احساس امنیت) نشان می‌دهد. در خصوص احساس امنیت در شهر، بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان در دو گویه "فرستادن کودکان به مدرسه در مسیر طولانی" و "بیرون رفتن از منزل در هنگام شب" احساس امنیت کمتری داشته‌اند.





نمودار ۱. توزیع درصدی زنان ۱۵-۴۹ ساله ازدواج کرده شهر تهران بر اساس نگرش آنها در خصوص ابعاد مختلف احساس امنیت

توزیع درصدی نظر پاسخگویان در خصوص گویه‌های مختلف احساس امنیت فکری حاکی از این است که پاسخگویان در ارتباط با حضور در فعالیت‌های جمعی و همچنین ابراز عقاید و نظرات‌شان امنیت بالایی را احساس می‌کنند. به‌نحوی که بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان در بیان عقاید و نظرات خود احساس امنیت بالایی را گزارش کرده‌اند. در

خصوص حضور در محافل اجتماعی نیز ۵۸ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که احساس امنیت بالایی دارند. اما امنیت ازدواجی پاسخگویان، وضعیتی بینابین را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که تقریباً ۴۰ درصد پاسخگویان در مورد گویه‌های این بعد از احساس امنیت، گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را گزارش کرده‌اند و حدوداً ۴۰ درصد نیز گفته‌اند که در این زمینه، امنیت کمی احساس می‌کنند. با توجه به اهمیت نظام خانواده و روابط زوجین در پایداری خانواده و جامعه، این بعد از امنیت اهمیت بالایی دارد. چرا که عدم احساس امنیت کافی در بین ۴۰ درصد پاسخگویان، نسبت بالایی است و نیازمند توجه جدی و سیاست‌گذاری مناسب در این حوزه می‌باشد.

بعد دیگر احساس امنیت، نگرانی از آسیب‌های اجتماعی و مسایل اجتماعی است. در این بعد، بیش از ۸۰ درصد از پاسخگویان احساس نگرانی زیادی را ابراز کرده‌اند. برای مثال، در خصوص بالا رفتن سن ازدواج، بیش از ۷۵ درصد از پاسخگویان احساس نگرانی بالایی از خود نشان داده‌اند. در خصوص مصرف مواد مخدر و اعتیاد در جامعه، و همچنین در خصوص رفتارهای پرخطر جنسی در بین جوانان نیز حدود ۸۶ درصد افراد احساس نگرانی زیادی را بیان کرده‌اند. حتی در زمینه دسترسی آسان به سایت‌ها و شبکه‌های غیراخلاقی، ۸۴ درصد از افراد نگرانی زیادی را گزارش کرده‌اند. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، در میان ابعاد مختلف احساس امنیت، کمترین احساس امنیت در ارتباط با گویه‌های اقتصادی گزارش شده است. به عنوان نمونه، در خصوص آینده شغلی فرزندان و بی‌ثباتی و افزایش قیمت‌ها در جامعه، ۹۰ درصد پاسخگویان و در خصوص هزینه‌های مسکن و هزینه‌های تحصیلی فرزندان، ۸۵ درصد پاسخگویان نگرانی زیادی دارند.

جدول ۳. احساس امنیت پاسخگویان را بر حسب مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی زنان نشان می‌دهد. با توجه به اینکه متغیر وابسته کمی می‌باشد و داده‌های متغیرهای مستقل گروه‌بندی اسمی می‌باشند، به منظور بررسی تفاوت بین گروه‌های مختلف از آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است.

بررسی احساس امنیت بر اساس سن حاکی است که با بالا رفتن سن، احساس امنیت زنان به طور کلی بالا می‌رود، اما در بررسی ابعاد مختلف احساس امنیت، الگوی مشخصی وجود ندارد. در گروه سنی ۲۴-۱۵ ساله، احساس امنیت فکری، ازدواجی و امنیت در شهر و اقتصادی، کمتر از سایر

گروه‌ها است، اما نگرانی از آسیب‌های اجتماعی کمتر می‌باشد. در بعد امنیت شهری، افراد ۳۰ تا ۳۹ ساله بیشتر از سایر گروه‌ها احساس امنیت می‌کنند. با این حال، احساس ناامنی بر اساس سن پاسخگویان، تفاوت معنی‌داری را به لحاظ آماری نشان نداد. (در مورد سن همسران نیز نتایج تقریباً مشابهی با سن پاسخگویان به دست آمد به همین دلیل نتایج گزارش نشده است).

افرادی که تحصیلات پایین‌تر از دیپلم و دیپلم دارند در مقایسه با افراد با سطح تحصیلات دانشگاهی، از احساس امنیت کمتری برخوردارند. به لحاظ احساس امنیت اقتصادی و نگرانی از آسیب‌های اجتماعی، در همه سطوح تحصیلی، احساس امنیت پایینی مشاهده می‌شود؛ هر چند که در میان افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با افراد دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم احساس امنیت بیشتر است، به لحاظ امنیت فکری که میزان نگرانی افراد در ابراز نظرات و عقاید و حضور در محافل اجتماعی را بازگو می‌کند. یافته‌ها نشان داد افرادی که تحصیلات دانشگاهی دارند، احساس امنیت بالا دارند و احساس امنیت سایر افراد در سطح متوسط است. در مجموع، در همه سطوح تحصیلی، شاخص کلی احساس امنیت در سطح متوسط قرار دارد.

یافته‌ها نشان داد بر اساس وضعیت اشتغال، در بُعد نگرانی از آسیب‌های اجتماعی و امنیت فکری، تفاوت‌ها معنی‌دار است. میانگین نمره در هر دو بُعد در میان زنان غیرشاغل، بیشتر از زنان شاغل است و این نشان می‌دهد زنان شاغل، در مقایسه با زنان غیرشاغل، علاوه بر احساس امنیت فکری بیشتر، احساس نگرانی کمتری نسبت به آسیب‌های اجتماعی دارند. در سه بُعد امنیت در شهر، امنیت اقتصادی و امنیت ازدواجی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشد.

بر اساس محل سکونت تا ۱۴ سالگی، شاخص کلی احساس امنیت، بین افرادی که در مناطق شهری و روستایی سکونت داشتند، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. با این حال، به لحاظ امنیت ازدواجی، امنیت اقتصادی و امنیت فکری، تفاوت‌های معنی‌داری حاصل شد. به لحاظ امنیت ازدواجی، احساس امنیت افرادی که در مناطق روستایی سکونت داشتند، نسبتاً زیاد (میانگین ۱۴/۱۳) و در مناطق شهری در سطح متوسط (میانگین ۱۲/۲۲) گزارش شد. اگرچه به لحاظ امنیت اقتصادی، احساس امنیت در شهر کمتر از روستا مشاهده شد، اما در بعد امنیت فکری، احساس امنیت در بین افرادی که در روستا سکونت داشتند، کمتر از افراد ساکن در مناطق شهری به دست آمد (۱۲/۴۳ برای مناطق روستایی در برابر ۱۴ برای مناطق شهری).

جدول ۳. احساس امنیت بر حسب برخی مشخصه‌های جمعیتی اجتماعی در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله ازدواج کرده شهر تهران

متغیر	طبقه	احساس امنیت	امنیت در شهر	امنیت فکری	امنیت ازدواجی	آسیب‌های اجتماعی	امنیت اقتصادی
سن	۱۵-۲۴	۴۹/۰۴	۱۱/۰۴	۱۱/۶۴	۱۰/۸۸	۸/۱۶	۶/۳۲
	۲۵-۲۹	۵۱/۲۸	۱۱/۵۸	۱۳/۸۳	۱۲/۰۴	۸/۲۴	۶/۵۸
	۳۰-۳۴	۵۱/۵۶	۱۲/۰۳	۱۳/۶۵	۱۱/۶۱	۷/۴۸	۶/۷۷
	۳۵-۳۹	۵۲/۵۱	۱۲/۲۰	۱۴/۵۰	۱۲/۵۵	۶/۷۶	۶/۴۹
	۴۰-۴۴	۵۲/۰۱	۱۱/۵۰	۱۳/۶۵	۱۲/۷	۷/۶	۶/۵۵
	۴۵-۴۹	۵۳/۹۸	۱۱/۸۸	۱۴/۱۶	۱۴/۰۴	۷/۰۸	۶/۸۰
مقدار F معنی‌داری		۰/۶۴۵	۱/۳۷۶	۱/۹۴	۱/۷۹	۱/۷۳۷	۰/۲۹۰
		۰/۶۶۶	۰/۲۳۲	۰/۰۸۶	۰/۱۱۲	۰/۱۲۵	۰/۱۲۵
تحصیلات	زیر دیپلم	۵۱/۳۳	۱۱/۱۶	۱۲/۹۵	۱۲/۹۲	۷/۶۹	۶/۵۹
	دیپلم	۵۰/۱۵	۱۱/۶۰	۱۳/۵۳	۱۲/۱۴	۶/۷۱	۶/۱۴
	دانشگاهی	۵۴/۹۳	۱۲/۴۶	۱۴/۷۳	۱۲/۳۵	۸/۱۰	۷/۲۸
	مقدار F معنی‌داری	۶/۹۸	۸/۸۵	۶/۱۸	۰/۵۵۵	۶/۱۰۴	۴/۸۳
وضعیت اشتغال	شاغل	۵۴/۵۸	۱۱/۸۰	۱۵/۱۷	۱۲/۴۲	۸/۴۸	۶/۶۷
	غیر شاغل	۵۱/۵۵	۱۱/۸۳	۱۳/۵۶	۱۲/۳۸	۷/۲۱	۶/۶۶
	مقدار F معنی‌داری	۱/۹۳	-۰/۰۸۹	-۳/۱۰۷	۰/۰۶۰	۲/۷۳۱	۰/۰۲۴
		۰/۰۵۴	۰/۹۲۹	۰/۰۰۲	۰/۹۵۲	۰/۰۰۷	۰/۹۸۱
محل سکونت تا ۱۴ سالگی	شهر	۵۲/۰۷	۱۱/۸۷	۱۴	۱۲/۲۲	۷/۴۱	۶/۵۶
	روستا	۵۳/۵۰	۱۱/۳۸	۱۲/۴۲	۱۴/۱۳	۷/۸۳	۷/۷۳
مقدار F معنی‌داری		-۰/۶۹۵	۱/۱۲۷	۲/۲۲	-۱/۹۸۳	-۰/۶۵۹	-۲/۰۴۳
		۰/۴۸۷	۰/۲۶۰	۰/۰۲۷	۰/۰۴۸	۰/۵۱۰	۰/۰۴۲
قومیت	فارس	۵۳/۳۴	۱۱/۹۸	۱۴/۲۳	۱۲/۷۴	۷/۶۱	۶/۷۶
	سایر قومیتها	۵۰/۴۸	۱۱/۶۰	۱۳/۲۸	۱۱/۸۶	۷/۱۹	۶/۵۲
	مقدار F معنی‌داری	-۲/۴۰	-۱/۴۶۱	-۲/۲۸۸	۱/۵۵۲	-۱/۱۴۶	-۰/۷۲۸
امنیت اقتصادی عینی	زیاد	۵۵/۹۷	۱۲/۴۵	۱۴/۱۶	۱۲/۹۳	۸/۱۱	۸/۳۱
	متوسط	۵۱/۹۶	۱۱/۶۴	۱۳/۸۴	۱۲/۵۰	۷/۳۰	۶/۶۵
	کم	۵۰/۶۹	۱۱/۷۷	۱۳/۷۳	۱۱/۹۸	۷/۴۴	۵/۸۹
	مقدار F معنی‌داری	۴/۹۵	۲/۷۳	۰/۲۶۱	۰/۷۷۰	۱/۴۲۲	۱۳/۶۴
	۰/۰۰۷	۰/۶۶	۰/۷۷۰	۰/۴۶۴	۰/۲۴۲	۰/۰۰۰	

مطالعه ابعاد احساس امنیت و عوامل جمعیتی - زمینه‌ای مؤثر بر آن ... ۱۴۱

تفاوت احساس امنیت کلی بر اساس قومیت پاسخگویان معنی‌دار است. به نحوی که احساس امنیت در بین پاسخگویان با قومیت فارس، بیشتر از سایر قومیت‌ها گزارش شده است. این موضوع در شاخص احساس امنیت فکری مشاهده می‌شود. البته در سایر ابعاد این رابطه معنی‌دار نمی‌باشد.

در این مطالعه، امنیت اقتصادی عینی، به عنوان متغیری که بر احساس امنیت پاسخگویان اثر می‌گذارد، فرض شد. امنیت اقتصادی عینی، با شاخص کلی احساس امنیت و همچنین احساس امنیت اقتصادی (ذهنی) رابطه معنی‌داری دارد، آزمون همبستگی نیز نشان داد که با افزایش امنیت اقتصادی عینی پاسخگویان، احساس امنیت بالا می‌رود ($R= 0.128, P < 0.01$). همچنین با افزایش امنیت اقتصادی عینی، احساس امنیت اقتصادی افزایش می‌یابد ($R= 0.223, P < 0.01$). امنیت اقتصادی عینی، رابطه معناداری را با نگرانی از آسیب‌های اجتماعی، امنیت ازدواجی، امنیت فکری و امنیت شهری نشان نداد.

به منظور ارزیابی روابط موجود بین متغیرها در قالب یک تحلیل چندمتغیره، از تحلیل رگرسیونی استفاده شد. برای این منظور، متغیرهای امنیت اقتصادی عینی، وضعیت اشتغال، محل سکونت تا ۱۴ سالگی، تحصیلات، سن و قومیت وارد معادله شدند. متغیرهای وضعیت اشتغال، محل سکونت تا ۱۴ سالگی و قومیت که یک متغیر اسمی چندحالتی بودند، به ترتیب، به صورت متغیر دو حالتی، شاغل و غیرشاغل؛ متولد شهر و روستا، و فارس بودن و سایر قومیت‌ها وارد مدل شدند (جدول ۷).

جدول ۴. عوامل تعیین کننده احساس امنیت در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله ازدواج کرده شهر تهران

معنی داری	ضریب t	ضریب استاندارد		
		شده	نشده	
		بتا	B خطای استاندارد	
امنیت اقتصادی عینی	۲/۶۲۷	۰/۱۲۴	۰/۴۴۲	
وضعیت اشتغال (گروه مرجع غیرشاغل)				
شاغل	۱/۲۸۵	۰/۰۶۲	۱/۳۰۶	
محل سکونت تا ۱۴ سالگی (گروه مرجع روستا)				
شهر	-۱/۱۹۱	-۰/۰۵۷	۱/۳۱۰	
تحصیلات	۲/۳۹۹	۰/۱۲۵	۰/۴۰۶	
سن	۰/۸۹۳	۰/۰۴۴	۰/۰۹۲	
قومیت (گروه مرجع سایر اقوام)				
فارس بودن	۲/۰۵۴	۰/۱۰۱	۱/۳۵۵	
	ضریب R	ضریب تعیین شده R ² adj	Sig.	F
	۰/۲۳۶	۰/۱۵۶	۰/۰۰۱	۳۸/۷۸۷

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد متغیر تحصیلات نقش مهمی در پیش بینی احساس امنیت دارد. بر اساس مقادیر بتا، می توان گفت تحصیلات زنان در مقایسه با سایر متغیرها، سهم به مراتب بیشتری در پیش بینی احساس امنیت دارد و یک واحد افزایش در سطح تحصیلات زنان، باعث می شود تا انحراف معیار متغیر احساس امنیت به اندازه ۰/۱۲۵ تغییر کند. امنیت اقتصادی عینی نیز تأثیر معنی داری بر احساس امنیت زنان دارد و با یک واحد افزایش در امنیت اقتصادی عینی، ۰/۱۲۴ به احساس امنیت اضافه می شود. همچنین، بر اساس نتایج، قومیت نقش مهم و اثرگذاری در احساس امنیت ایفا می کند. به گونه ای که فارس بودن به خودی خود می تواند به اندازه ۰/۱۰۱ در انحراف معیار احساس امنیت تغییر ایجاد نماید. معنی داری رگرسیون نیز به وسیله آزمون F محاسبه شده است که در سطح ۹۹ درصد (P=0/001) معنی دار است. ضریب تعیین نشان می دهد که ۱۵ درصد تغییرات متغیر احساس امنیت، توسط متغیرهای تحصیلات، امنیت اقتصادی عینی و قومیت تبیین می گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت بررسی و شناخت ابعاد و زوایای احساس امنیت، از این جهت ضروری است که این متغیر، بسیاری از تصمیمات و رفتارهای افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، در هر جامعه‌ای که انواع تهدیدهای فردی نظیر تهدید جانی، مالی، حیثیتی و... وجود دارد، کنشگران اجتماعی از احساس امنیت لازم برای زیست اجتماعی برخوردار نخواهند بود (بیات، ۱۳۸۸: ۳۵). عاملان کنش، با مراجعه به ذهنیت روان‌شناختی و تاریخی خود، به تصمیم‌گیری و کنش اقدام می‌نمایند. بنابراین، احساس و ارزیابی افراد از فضای کنش، نقشی اساسی در چگونگی تصمیم‌گیری آنان ایفا می‌نماید. از این‌رو، هر مطالعه‌ای که بتواند شناخت درستی از احساس امنیت اجتماعی افراد جامعه و تعیین‌کننده‌های آن ارائه دهد، می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های عمومی مورد استفاده قرار گیرد. در مطالعه پیش‌رو، احساس امنیت در بین زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت و با استناد به مباحث نظری و پیشینه تجربی، به تحلیل تعیین‌کننده‌های آن پرداخته شد.

طبق نتایج حاصل از این مطالعه، کمترین میزان احساس امنیت زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران، به حوزه امنیت اقتصادی مربوط می‌شود؛ که در واقع، بیان‌گر این است که مهمترین دغدغه آنها مسایل اقتصادی است. به‌طوری‌که اکثر پاسخگویان در زمینه آینده شغلی فرزندان، بی‌ثباتی و افزایش قیمت‌ها، هزینه‌های تحصیلی فرزندان و هزینه‌های مسکن نگرانی زیادی دارند. با توجه به شرایط کنونی و وضعیت اقتصادی حاکم بر جامعه، از جمله نرخ بالای بیکاری، رکود، تورم و... احساس نگرانی از وضعیت اقتصادی خود و فرزندان، دور از انتظار نیست و یافته‌های این مطالعه نیز مؤید این وضعیت می‌باشند. بنابراین، رفع مسائل و نگرانی‌های اقتصادی می‌بایست در اولویت برنامه‌ریزی مسئولین قرار گیرد. پس از حوزه اقتصادی، حوزه آسیب‌های اجتماعی، دومین بعد است که زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران در مورد آن اظهار نگرانی کرده‌اند. در این بُعد از امنیت، بیش از دو سوم آنها احساس نگرانی زیادی را ابراز داشته‌اند. از جمله مؤلفه‌هایی که نگرانی زیادی در این حوزه به دنبال داشته است، عبارتند از: بالا رفتن میانگین سن ازدواج در جامعه، مصرف مواد مخدر و اعتیاد در جامعه، رفتارهای پر خطر جنسی در بین جوانان و همچنین دسترسی آسان به اطلاعات، سایت‌ها و

شبکه‌های غیراخلاقی. در خصوص احساس امنیت در شهر، سطح متوسط رو به پایینی از احساس امنیت گزارش گردید. در این حوزه، در دو گویه فرستادن کودکان به مدرسه در مسیر طولانی و بیرون رفتن از منزل در هنگام شب، بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان نگرانی زیادی ابراز کردند. از این رو، در این زمینه لازم است برنامه‌ریزان و طراحان فضای شهر برای ایجاد شرایط امن‌تر و کاهش ضریب ناامنی در مسیر مدرسه، اقدامات و مداخلات بهینه‌ای انجام دهند.

در حوزه امنیت فکری، سطح متوسط رو به بالایی از احساس امنیت در بین زنان مورد مطالعه گزارش گردید (میانگین ۱۳/۸۵) و این بیان‌گر آن است که زنان مورد مطالعه، از ابراز عقاید و نظرات و همچنین حضور در فعالیت‌های جمعی احساس نگرانی اندکی دارند. این در حالی است که در سطح جامعه این تصور عامیانه وجود دارد که افراد از این لحاظ احساس نگرانی بالایی دارند. در بُعد شاخص احساس امنیت ازدواجی نیز سطح متوسط رو به بالایی از احساس امنیت مشاهده شد (میانگین ۱۲/۳۹). با توجه به جایگاه نظام خانواده و اهمیت روابط بین زوجین در پایداری خانواده و جامعه، و همچنین نقش تعیین‌کننده روابط خانوادگی در کاهش احساس خطر و ناامنی، این بعد از احساس امنیت، اهمیت فراوانی داشته و ارتقاء آن نیازمند توجه جدی و سیاست‌گذاری مناسب در این حوزه می‌باشد. در مجموع، میانگین شاخص احساس کلی امنیت در بین نمونه مورد بررسی، ۵۲/۲۰ به دست آمد که بیانگر سطح متوسط رو به پایینی از احساس امنیت در بین آنان می‌باشد. این نتیجه تقریباً با سطوح احساس امنیت به دست آمده در سایر مطالعات انجام شده در نقاط مختلف کشور همخوانی بالایی دارد. به نحوی که، سطح احساس امنیت به دست آمده در مطالعه هزارجریبی و همکارانش (۱۳۹۳) در بین شهروندان شهر تهران، در حد متوسط رو به پایین گزارش شده است؛ شاخص احساس امنیت در مطالعه زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۰) بر روی متأهلین سرپرست خانوار شهر یزد، ۶۲/۷ درصد در سطح کم و ۳۵/۳ درصد در سطح متوسط حاصل شده است؛ در مطالعه احمدی و کلدی (۱۳۹۱)، مقدار این شاخص در بین زنان ۱۸-۶۵ ساله شهر سمنجان، متوسط گزارش شده است؛ طبق مطالعه حسینی نثار و قاسمی (۱۳۹۱) در مراکز ۷ استان ایران، ۵۸ درصد پاسخگویان از احساس امنیت کمی برخوردار بوده‌اند؛ همچنین بر اساس مطالعه حاتمی و همکارانش (۱۳۹۳)، میزان احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۶۴ ساله شهر کرمانشاه، ۳۳/۳ درصد در حد پایین، ۵۲ درصد در حد متوسط و ۱۱/۷ درصد در حد بالا بوده است.

در این مطالعه، با استناد به مباحث نظری و تجربی، به تحلیل تأثیر برخی مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بر احساس امنیت زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر تهران پرداخته شد. نتایج به دست آمده، نقش تعیین‌کنندگی سطح تحصیلات زنان بر احساس امنیت آنان را تأیید نمود. به گونه‌ای که زنان با سطح تحصیلات دانشگاهی، در مقایسه با افراد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، از احساس امنیت بیشتری برخوردار بودند. نقش تعیین‌کننده سطح تحصیلات در احساس امنیت، در ابعاد احساس امنیت اقتصادی، احساس امنیت فکری، امنیت در شهر و همچنین نگرانی از آسیب‌های اجتماعی نیز مورد تأیید قرار گرفت. به این نحو که زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با زنان با سطح تحصیلات دیپلم و کمتر از آن، احساس امنیت بالاتری داشتند. تأثیر افزایش سطح تحصیلات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، بر افزایش احساس امنیت اجتماعی، در مطالعه زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۰)، کرد زنگنه و همکارانش (۱۳۹۵) و همچنین حاتمی و همکارانش (۱۳۹۳) بررسی و مشاهده شده است. علی‌رغم این، یافته‌های نادری و همکارانش (۱۳۸۹) در بین زنان و مردان ۶۴-۱۵ ساله شهر اردبیل این رابطه را نشان نداده است. ضمن اینکه مطالعه رضوی طوسی و ساعی (۱۳۹۰) در بین زنان و مردان ۱۸ ساله و بالاتر شهر تهران، عکس این رابطه را نشان داده است. در مطالعه پیش‌رو، با توجه به این یافته، به نظر می‌رسد افزایش سطح تحصیلات، با ارتقاء سطح توانمندی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد، در نهایت افزایش سطح رضایت و احساس امنیت آنان را به دنبال دارد. همان‌طور که در بخش نظریات اشاره شد، طبق نظر ریچوی و جانسون^۱، هرچه پایگاه افراد در یک گروه اجتماعی بالاتر باشد، میزان ابراز احساسات منفی آنها کاهش می‌یابد؛ با ارتقاء این پایگاه، امکان دستیابی افراد به امکانات و خدمات مختلف آموزشی، بهداشتی، رفاهی و... نیز افزایش یافته و در نتیجه، احساس تعلق و خشنودی آنها نسبت به جامعه تقویت خواهد شد. تأثیر مثبت پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر احساس امنیت، در نظریات بوزان (۱۳۸۷) و ال ویور و همچنین در رویکرد آسیب‌پذیری مورد تأکید قرار گرفته است.

نتایج نشان داد همانند سطح تحصیلات، امنیت اقتصادی عینی نیز تأثیر قابل توجه و معنی‌داری در پیش‌بینی احساس امنیت دارد. به گونه‌ای که افزایش امنیت اقتصادی عینی، سطح

احساس امنیت را افزایش می‌دهد. اگرچه این یافته با نتیجه مطالعه احمدی و کلدی (۱۳۹۱) در شهر سنندج همسو نیست، اما با نتایج مطالعات متعددی از جمله ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵)، نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸)، زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۰) و همچنین هزارجریبی و همکارانش (۱۳۹۳) همسو است. بر اساس این مطالعات نیز احساس امنیت، تحت تأثیر امنیت اقتصادی قرار داشته و زمانی که امنیت اقتصادی بالا می‌رود، افراد در بسیاری از جنبه‌ها احساس امنیت بیشتری می‌کنند. اثبات نقش تبیین‌کننده امنیت اقتصادی عینی در مطالعه پیش‌رو، در جهت و هم‌راستای بخش نظری تحقیق نیز می‌باشد. این تأثیر در نظریات بوزان، ویور و همچنین تئوری نیاز انسانی، به‌خوبی بحث شده است. به‌طور خلاصه، از نظر بوزان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی از تعیین‌کننده‌های مهم احساس امنیت است و تهدیدات اقتصادی (اعم از دسترسی نداشتن به کار و عدم اشتغال) بر احساس امنیت مؤثر است؛ از نظر ال ویور نیز پایگاه اقتصادی-اجتماعی تعیین‌کننده است؛ همچنین در تئوری نیاز انسانی، احساس امنیت و عدم بروز ناامنی به برآورده شدن نیازهای اساسی انسان مشروط شده است. به‌طور کلی، می‌توان گفت برخورداری برخی افراد از سطح تحصیلات بالاتر و نیز وضعیت مناسب اقتصادی، هر دو، برای آنها وضعیتی ایجاد می‌نماید که در مقایسه با سایرین، در عرصه‌های مختلف، احساس توان‌مندی بیشتری نمایند و این احساس توان‌مندی، برای آنها با احساس پشتوانه بیشتر و بزرگ‌تر همراه خواهد بود و در نهایت، آنها با برخورداری از این وضعیت، در مقابل تنش‌ها، تضادها و آسیب‌های جامعه از احساس امنیت بیشتری برخوردار هستند. طبق این یافته از تحقیق، اقداماتی برای کاهش مشکلات اقتصادی و ناامنی اقتصادی جامعه می‌تواند به‌نحو قابل توجهی احساس امنیت را در کلیه افراد و به‌ویژه در زنان ارتقاء دهد.

یافته‌ها نشان داد متغیر قومیت نقشی مهم در تبیین احساس امنیت زنان ایفا می‌نماید. در واقع، در بسیاری از مطالعات انجام‌شده، قوم اکثریت در مقایسه با اقلیت‌ها، احساس امنیت بیشتری از خود نشان داده‌اند. این نوع رابطه، در مطالعه مختاری و همکارانش (۱۳۹۱) در شهر یاسوج نیز اثبات شده است؛ به‌نحوی که در این مطالعه، نشان داده شده است که احساس امنیت قوم لر بیش از سایر اقوام این شهر است. در مطالعه مختاری و همکارانش، اشاره شده که است که بافت ایلی-عشیره‌ای بر شهر یاسوج حاکم است و افراد تلاش می‌کنند امتیازات موجود را به نفع خود و طایفه خویش کسب کنند و لر بودن به‌عنوان منبع قدرت محسوب می‌شود. در مطالعه حاتمی و همکارانش (۱۳۹۳) در شهر کرمانشاه نیز احساس امنیت بالاتر قوم کرد به عنوان قوم اکثریت نشان

داده شده است. در مطالعه پیش‌رو، چنین به نظر می‌رسد که افراد با قومیت فارس، به لحاظ تعداد حداکثری در جامعه و همچنین رسمی بودن زبان فارسی در کشور، از قومیت خود به‌عنوان یک منبع و پشتوانه بهره می‌برند و این متغیر می‌تواند با مرتبط بودن با بسیاری متغیرهای دیگر، نقشی اساسی در ارتقاء سطح احساس امنیت آنها ایفا نماید.

طبق یافته‌ها، بر اساس وضعیت اشتغال، در بُعد نگرانی از آسیب‌های اجتماعی و امنیت فکری، تفاوت‌ها معنی‌دار به دست آمد. در هر دو بُعد، میانگین نمره در میان زنان غیرشاغل بیشتر از زنان شاغل حاصل شد. با این حال، این متغیر در مدل چند متغیره، نقش ضعیفی را در تبیین تغییرات احساس امنیت نشان داد. این نتیجه برخلاف نتیجه مطالعه ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) در بین خانواده‌های شمال و جنوب شهر تهران است. به نظر می‌رسد، در مطالعه پیش‌رو، ممکن است اثر متغیر وضعیت اشتغال، تحت تأثیر تحصیلات باشد. با توجه به بالاتر بودن سطح تحصیلات زنان شاغل، می‌توان گفت، زنان با سطح تحصیلات دانشگاهی، به واسطه مشارکت اجتماعی که دارند، بیشتر از سایرین بر شرایط زندگی و محیط اطراف خود کنترل دارند، و در تبدیل شرایط ناامن به امن موفقیت بیشتری دارند.

در این مطالعه، اگرچه تأثیر متغیر "محل سکونت تا ۱۴ سالگی" بر امنیت ازدواجی، امنیت اقتصادی و امنیت فکری معنادار بود، اما این متغیر تأثیر معناداری را بر احساس امنیت کلی نشان نداد. عدم وجود چنین رابطه‌ای در مطالعه ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) نیز مشاهده شده اما در مطالعه نادری و همکارانش (۱۳۸۹) وجود این رابطه تصدیق شده است.

در انتها لازم است به برخی محدودیت‌های مطالعه پیش‌رو اشاره شود. اینکه در این مطالعه، به‌جز بُعد اقتصادی، در سایر ابعاد، امنیت عینی و درک‌شده اندازه‌گیری نشده است. حتی در دیگر مطالعات انجام شده در کشور نیز بیشتر احساس امنیت مورد بررسی قرار گرفته تا امنیت درک‌شده. لذا پیشنهاد می‌شود این بُعد از امنیت مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته و شاخص‌های امنیت عینی آن شناسایی گردند. همچنین در این مطالعه، احساس امنیت سیاسی، نظامی و هویت قومی مورد بررسی قرار نگرفت. محدودیت دیگر این مطالعه، جامعه آماری است که با توجه به اینکه داده‌ها به‌منظور مطالعه تأثیر امنیت بر روی رفتارهای باروری جمع‌آوری شده بود، تمرکز بر زنان ازدواج‌کرده قرار گرفت. بنابراین، مطالعه احساس امنیت و تعیین‌کننده‌های آن در زنان مجرد و سالخورده نیز پیشنهاد می‌شود.

منابع

- احمدی، حبیب و رودابه دهقانی (۱۳۹۴). آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز)، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- احمدی، محمد و علیرضا کلدی (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه زن و جامعه، سال ۳، شماره ۴، صص ۱-۱۹.
- افشانی، سیدعلی‌رضا و راضیه ذاکری همامانه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۶۲-۱۴۵.
- باپیری، امیدعلی، خلیل کمربگی و فرزاد درویشی (۱۳۹۴). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان ایلام)، فرهنگ ایلام، دوره ۱۶، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۹۰-۷۵.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی)، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۶ (پیاپی ۳۵)، صص ۱۳۲-۱۱۵.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پورمؤذن، علی محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه نقش اجتماعی و احساس امنیت خانواده‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس)، تهران.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل و سولماز چمنی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بین شهروندان منطقه ۱۱ شهرداری تهران، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۲۴-۷.
- حاتمی، علی، بختیار احمدی و عطاء اسمعیلی (۱۳۹۳). بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان، مورد مطالعه زنان شهر کرمانشاه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۱۰۳-۱۲۱.

حسینی نثار، مجید و علی قاسمی (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور، چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت، شهرداری مشهد.

ذاکری هامانه، راضیه، سید علیرضا افشانی و عباس عسکری ندوشن (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۱۰-۸۳.

زارع شاه‌آبادی، اکبر و رحمت‌اله ترکان (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، شماره ۲، سال ۴، صص ۱۵۶-۱۳۳.

ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت؛ در تهران، *رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۰۶-۸۷.

سام آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸). بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۹-۹.

عباسی شوازی، محمد جلال و خانی، سعید (۱۳۹۵). ناامنی اقتصادی، ایده آل‌های ازدواج و باروری: مطالعه دو نسل مادران و فرزندان در شهرستان سنندج، *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۲(۲): ۱۰۱-۶۳.

کاشانی، مجید (۱۳۸۴). نقش نهادهای آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی، مجموعه مقالات همایش *امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱، جلد سوم، تهران، انتشارات آسایش.

کرد زنگنه، جعفر، هاشم محمدیان پستکان و شهلا سهرابی صمیره (۱۳۹۵). بررسی میزان احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر در آن (مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره کل بهزیستی شهرستان رامهرمز)، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، سال ۱۸، شماره ۷۱، صص ۱۰۹-۱۳۰.

گودرزی، سعید، محمدجواد زاهدی، علی ربیعی و اسداله نقدی (۱۳۹۴). تبیین برهم‌کنش سطوح خرد و کلان امنیت در کشور، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۱۹-۲۴۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، نشر مرکز.

۱۵۰ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مختاری، مریم، اسماعیل بلالی، اصغر میرفردی و سیده معصومه حسینی اخگر (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج، پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم اجتماعی، سال ۱، شماره ۲، صص ۴۰-۲۱.

موحد، مجید و صغری همت (۱۳۹۲). مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان، فصلنامه زن و جامعه، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۲-۵۵. مؤذن جامی، محمدهادی (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر امنیت و مؤلفه‌های آن، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱: ۳۸-۸۵.

نادری، حمداله، محمدعلی جاهد و مهین‌دخت شیرزاده (۱۳۸۹). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل)، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۸۷-۵۹.

نبوی، سیدعبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده و سیده هاجر حسینی (۱۳۸۷). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۸-۹.

نوروزی، فیض‌اله و سارا فولادی سپهر (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۳، صص ۱۵۹-۱۲۹. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). گفتمان پیرامون امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال ۲، شماره ۴ و ۵.

هزارجریبی، جعفر، مصطفی کشوری چرمی، الهام فاروقی و عقیل مقدم (۱۳۹۳). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۴۱-۱.

Beck, U (1994). The Reinvention of Politics: Towards a Theory of Reflexive Modernization. In Beck, U. Giddens, A and Lash, S., *Reflexive Modernization: Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order*. Cambridge: Polity Press. P. 45.

Beck, U (1999). *World Risk Society*, Cambridge: Polity Press.

Bell, W. (1998). Women and community safety, *Bell Planning Associates South Australia*, No 32: 1-26.

Bernardi, L., Klarner, A. & H. von der Lippe (2008). Job Insecurity

and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany, *European Journal of Population*, 24:287-313.

Burrowes, R. J. (1996). *The Strategy of Non Violent Defense a Gandhi an Approach*, USA. University of Newyork press. Pp: 107-125.

Karakus, O., Edmund, F., McGarrell, and O. Basibuyuk (2010). Fear of Crime among citizens of Turkey, *Journal of Criminal Justice*, No 38:174-184.

Killias and Clerici (2013). Different Measures of Vulnerability in Their Relation to Different Dimensions of Fear of Crime, *British Journal of Criminology* 40(3): 437-50.

Kohler, H. P., Billari, F. C. & J. A. Ortega (2002). The Emergence of Lowest-low Fertility in Europe during the 1990s", *Population and Development Review*, 28(4), 641-680.

Wearver, D. (2010). Societal Security and Social Support, *Journals of Gerontology*, Series B: Psychological and Social Sciences, 61(1): S24-S34.

